

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

سانسور ساواک در قالب جدید

بارفتن هویدا و آمدن آموزگار ، که خود نارضایتی مردم و توجع فشار افکار عمومی انجام گرفت ، چندین بزرگ مقابله با این نارضایتی و فشار ، به ای گوناگونی در زمینه های مختلف دست زده است .

د اساس رژیم استبدادی شاه ، رژیم ترور و اختناق را ، که در خطر قرار گرفته است ، حفظ کند .

به در مورد آزادی بیان و قلم ، که خواست مردم ی مردم ایران است ، آموزگار ، هنگام معرفی خود به مجلس گفت :

« دولت به آزادی بیان و قلم و تحکیم و تقویت ی سازنده ناشی از آن در جامعه ایران ارج و حرمت و بنوبه خود از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی دارد که ضمن انعکاس مسائل و نظرات مردم ، مربوط به پیشرفتهای جامعه و اقتصاد ایران را نیز نمایند و حرمت و حیثیت افراد و ارزشهای اخلاقی ی نظام اجتماعی را رعایت کنند . »

وزارت اطلاعات حلی «بخشنامه محرمانه» ای به ت کشور ، تعیین وظیفه نمود که مطبوعات چه و سبند و چه نباید بنویسند . و با این ترتیب شد که سخنان نخست وزیر نه فقط غرضآفرینانه بلکه از هر گونه برخورد جنسی ، با مسئولیت راتیک به مسئله آزادی بیان و قلم ، تهی است .

قطر تهی است ، بلکه تلاش میشود که سانسور بر مطبوعات کشور در قالب جدیدی همچنان ود . برای اثبات این مدعا کافیست به مواد نامه محرمانه ، رجوع کنیم :

ر گونه خبری مربوط به شاه ، شاهبانو ، ولیعهد ست وزیر و خاندان سلطنتی باید از مراجع رسمی رخصت شود .

کارکنان و کارکنان ، برنامه هایی که شاه و شاهبانو اعلام کنند ، نباید مورد مسخره قرار گیرند .

اد مسئول و درجه یک و مقاماتی که شاه خود آنها تصوب کرده نباید مورد حمله و اتهام قرار گیرند . بد در همه جا و هر خبر از اصول فکری حزب ناخیز ، نظام شاهنشاهی ، قانون اساسی و اصول ۱۷ انه انقلاب شاه و ملت و خردیان انقلاب با احترام شود و هر گز به این اصول انتقادی نشود . اما وان به نحوه اجراء آنها انتقاد نلایمی کرد .

فرایندگی تنگناها و ناسامانهایی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان دورنمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که امضاء کنندگان زیرینا بر وظیفه ملی و دینی ، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از دستورات ملوکانه داشته باشد نمی شناسیم و در حالیکه تمام امور مملکت

— خبرهای وزارت خارجه و انتصابات باید از مراجع رسمی گرفته شود .

— تنها مراجع رسمی حق دارند که خبرهای مربوط به ارتش و نیروهای مسلح را در اختیار مطبوعات بگذارند .

— اخبار دریار و سازمانهای امنیتی و خبرهای مربوط به اعمال تروریستی باید از مراجع رسمی گرفته شود .

— افکار و اسامی و درستیها را نباید مورد ستایش و تائید قرار داد و نباید تروریستها را بعنوان قهرمان معرفی کرد .

— اخبار اضافه حقوق ، مزایا و ترفیحات کارکنان باید از مراجع رسمی گرفته شود .

— هر گونه خبری از وضع اقتصادی و مالی کشور و سازمانهای صنعتی و مأمور مربوط به بهداشت و بیماریهای واکیر و مواد خوراکی با احتیاط نقل شود .

— زیرا سلب اعتماد عمومی میشود و نگرانی ایجاد مینماید .

— باید پیش از انتشار با مقامات مربوطه مشورت شود و اصلا نباید زیاد در باره این اخبار نوشته شود .

— سوءاستفاده های بزرگ و پرونده های اختلاس و رشوه خواری نباید در روزنامه ها منعکس شوند مگر اینکه قبلا با مقامات مسئول مشورت شده باشد و هرگز نباید بصورت برجسته منعکس بشوند .

— به نویسندگان و شعرائی که قصد شان مبارزه با رژیم است نباید در ستونهای مطبوعات جانی به آنها داد .

— با خبرهای انتصابات کارکنان و تظاهرات دانشجویان باید با احتیاط روبرو شد .

— انتقاد ها باید جنبه سازنده داشته باشد و بیجهت موضوعی را بزرگ نکنند ، همچنین نباید جنبه شخصی داشته باشد ، باید بیشتر به سیاستها و روشها توجه شود ، حق جواب را محرم بدارند و این جوابها را جای معین چاپ کنند .

— مطبوعات باید گوشش کنند که پشت سرهم از موضوعی که افکار عمومی را بهیجان آورد ، ننویسند و انتظار و یا اضطراب بوجود نیآورند .

— نباید در مردم انتظار بیجا و زبانی بوجود آورد (مثلا درباره خانه ارزاتر و خدمت فراواتر و ارزاتر و حقوق بیشتر) .

دنباله در صفحه ۲

حکومت استبدادی باید ترک شود! (نامه دکتر سنجابی و شاپور بختیار و داریوش فروهر بشاه)

از طریق صد و فرمانها انجام میشود انتخاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در صف اقتدار شخص اعلیحضرت قرارداد که همه اختیارات و اختراها و سیاستها و بنابر این مسئولیتها را منحصر و متوجه به خود فرموده اند ، این «شروحه» را علیرغم خطرات سنگین تقدیم حضور مینمایم .

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه های پررنگه قرار گرفته همه جریانها به بن بست کشیده ، نیازمندیهایی عمومی بخصوص خواربار و مسکن با نیتهایی تصاعدی بی نظیر دچار نایابی گشته ، کشاورزی و دامداری رویه نیستی گذارده ، صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در حیران و تزلزل افتاده ، ترانزیت گانی کشور و نا برابری صادرات و واردات وحشت آور گردیده ، نفت این میراث گرانبهای خدادادی بشدت تنبیر شده ، برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت های پلیسی به حداکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تملق فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است .

حاصل تمام این اوضاع ، توأم با وعده های پایان ناپذیر و گزافه گوئیها و تبلیغات و تحجیل جشنها و تظاهرات ، نارضایتی و نومیدی عمومی و ترک وطن و خروج سرمایه ها و عصبانیت نسل جوان شده که عاشقانه داوطلب زندان و شکنجه و مرگ میگردند و دست بکارهایی میزنند که دستگاه حاکمه آنرا خرابکاری و خیانت و خودآنها فداکاری و شرافت مینامند .

این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگوار باید مربوط به طرز مدیریت مملکت دانست ، مدیریتی که بر خلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است .

در حالیکه «نظام شاهنشاهی» خود برداشتی کلی از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران میباشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن حدود «حقوق سلطنت» بدون کوچکترین ابهامی تعیین و «قوانین» دنباله در صفحه ۲

در ارتش ایران چه می گذرد؟

سیل ناخشنودی جامعه ایران که مدتهاست از چهار چوب طبقات زحمتکش بیرون آمده و وسیعترین قشرهای متوسط جامعه را فرا گرفته است ، بالاخره به آخرین سنگر رژیم استبدادی شاه ، یعنی کادر فرماندهی ارتش نیز ، راه یافته است .

اخبار رسیده از ایران حاکی است که در چند هفته پیش ، بگری و به بند دامنه داری در کادرفرمانده می ارتش شرح داده و بیش از ۱۰ نفر از فرماندهان عالی واحد های ارتش در شهرستانها بازداشت و بدوخت سرو صلا به زندان ذوقیات در تهران انتقال داده شده اند . این افراد متهم هستند که گویا اندیشه لزوم تغییراتی را در وضع کنونی کشور در میان خود مطرح ساخته بودند . از اخبار رسیده اینطور بر میآید که در پیوند با این جریان دو نفر از افسران بالا رتبه تا کون اعدام شده اند .

واقعیت این رویداد هر چه باشد ، اهمیت فراوان آن از این جهت است که علیرغم همه کوششهای رژیم در ایجاد یک ارتش گوش فرمان شاه و کارگزار امپریالیسم امریکا ، علیرغم اینکه همه افسران برای رسیدن به مقامات بالائی صد بار مستعین میشوند و از دهها غریال و صافی «امنیتی» ، میگذرند و در مدارس نظامی امریکا با روح ضد مکرراتیک و ضد ملی «آبدیده» میشوند ، علیرغم اینکه رژیم میکوشد با دادن امتیازات فراوان ارتش را از خلق جدا سازد و در این راه پروژه دست دزدی و غارتگری بی بند و بار افسران بالائی ارتش را یار گذاشته است ، در این پایگاه اصلی «مجزیره ثبات» نیز ترک پیدا شده است .

تاریخ ارتشها در بسیاری از کشورهای جهان از آنجمله در کشورمان نشان داده است که علیرغم همه این تلاشهای ارتجاعی همواره در ارتش وحی در کادر بالائی آن عناصر میهن پرست پیدا میشوند و همین عناصرند که میتوانند در لحظات حساس تاریخ جنبش انقلابی کمکهای گرانبهای به آن برسانند .

ارتش ایران با رشته های گوناگون با خلق پیوند دارد . افراد آن تقریباً همگی از فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا میباشند و اکثریت سنگین کادر افسری آن از اقشار متوسط و پایین جامعه بر خاسته اند . درست است که امتیازات گوناگون و سطوح پائین رشد آگاهی عده ای از این

دنباله در صفحه ۲

مبارزه در راه صلح ، مبارزه ایست دشوار

ولی ضرور و ثمر بخش

نو دیگر نیز ساخته میشود ، بلکه در دیگر کشور های پیمان تجاویز ائتلاف شمالی ، کسرتنهای اسلحه سازی و مؤسسات پژوهشی وابسته به آنها سخت مشغول کارند و نقشه ایجاد مراکز قدرت جدیدی در جهان و از آنجمله در آسیا دنبال میشود چنانکه مجله انگلیسی «میدل ایست» ، خبر میدهد حتی میخواهند تا چندسال آینده ایران را به ارتشی دارای قدرت نظامی ارتش آلمان فدرال (که ارتش دوم جهان سرمایه داری است) بدل کنند !

بهین جهت در سال مالی ۱۹۷۷ بنایبوشته «نیویورک تایمز» ، ۶۰ درصد اسلحه صادراتی امریکا را ایران خریده است ، تعلق اخیر شاه در «پادفاند ملی» راجع به ضرورت «جنگ نیمنی» ، تدارک روحی همین اقدامات خائنانه است . در عین حال امپریالیسم امریکا و متحد پش در کار پیشرفت مذاکرات نتیجه بخش در مورد تعلیل ارتش و تسلیحات در اروپائی مرکزی (یعنی مذاکرات ویت) و محدود کردن اسلحه استراتژیک هسته ای (یعنی مذاکرات ژنو موسوم به «سالت») اشکال تراشی می کنند و «آشکارافشایی بین-

دنباله در صفحه ۲

امپریالیسم جهانی و برآس آت امپریالیسم امریکا در دوران ریاست جمهوری جیمس کارتر موج نیرومند جدیدی از مسابقه تسلیحاتی در مقیاس کشورهای «دانش» برپا انداخته است . از آنجمله و میتوان مثال از ساختن بمب نو ترور (که انسان ها را میکشد ولی اشیاء را باقی میگذارد!) زیر دریائی های اتمی «تیرانداز» ، «موشکهای پرنده» (که میتوانند از دیوارهای رادار ناشهود بگذرد) ، هواپیمای استراتژیک «ب» ، در امریکا و از ساختن «مافوق بمب» (زوریر بمب) که همه چیز را میتواند نابود کند و توانک جدید «لشونبارد» و موشکهای تاکتیکی «میلان» و «ولانده» و موشکهای جهان پیمایی «آرپانه» در جمهوری فدرال آلمان میتوان سخن گفت . در جمهوری فدرال آلمان شرکت کذائی «مشرشیت» (که اکنون «مشرشیت بلکوف بلوم» نام دارد) اسلحه ترمزنی نامبرده را ساخته و علاوه بر خود ارتش آلمانی غربی ، ارتشهای امریکا و ایتالیا و فرانسه نیز از این تسلیحات استفاده خواهند کرد .

البته فهرستی که یاد کردیم بسیار ناقص است . زیرا نه فقط در کشور های ذکر شده انواع سلاحهای

دنباله در صفحه ۲

طرح قانون جدید کار در دشمنی با طبقه کارگر است

و از اینجهت باید قانون جدیدی متناسب با وضع جدید تصویب برسد ، که پاسخگوی نیازمندیهای طبقه کارگر باشد کشور باشد . اما طرح جدید قانون کار که مواد اساسی آن در روزنامه ها انتشار یافته ، نه تنها به ایجاد روابط عادلانه و منطقی میان نیروی کار و سرمایه و «ایجاد تأمین شغلی بیشتر برای کارگران» کمک نمیکند ، بلکه قانونی است ضد کارگری و ارتجاعی که به تشدید استثمار کارگران و تزلزل شغلی آنها کمک میکند ، قانونی است که در صورت تصویب حقوق کارگران را بسود سرمایه داران بهره کش لگد مال میکند . صفحات محدود «مردم» امکان تحلیل تمام مواد این قانون ضد کارگری را

قبل از تغییر دولت ، طرح قانون جدید کار در مل و ۱۳۰ ماده تنظیم و برای تصویب به مجلس د . تجدید نظر در قانون کار و بهداشتک ساختن نیازمندیهای واقعی طبقه کارگر چند میلیونی یکی از خواسته های اساسی کارگران در سال تیر بوده است ، بنحوی که در سومین کنگره ان (اردیبهشت ۱۳۵۵) علیرغم فرمایشی بودن آن ان موفق شدند ضرورت تجدید نظر در قانون کار را «ایجاد روابط عادلانه تر بین نیروی کار و سرمایه» بین ایجاد تأمین شغلی بیشتر برای کارگران ، نخستین ماده در قطعنامه کنگره بگنجانند . ل کارگران آن بود که با توجه بر شد کمی و کارگران ، قانون کار کنونی قادر به تنظیم عادلانه و منطقی میان کارگر و کارفرما نیست

دنباله در صفحه ۲

طرح قانون جدید کار

نمیدهد، از اینجهت در اینجا فقط بر مهمترین موارد آن تکیه میکنیم و جنبه های ارتجاعی این قانون را نشان میدهیم:

از جنبه مواردی که بموجب طرح جدید کار فرما حق دارد قرارداد کار را فسخ و کارگر را اخراج کند، موردی است که کارگر از روی عمد به تولید کارگاه خسارت وارد نماید، یا نحوه کار کارگر موجب نقصان قابل توجه کیفی و یا کمی محصول و خدمات کارگاه شود. این هر دو مورد عکس العمل رژیم ارتجاعی در برابر مبارزات اعتصابی طبقه کارگر در سالهای اخیر است. همه میدانند که علیرغم رژیم ترور و اختناق، مبارزه اعتصابی کارگران دامنه یافته و علاوه بر آن کارگران، اعتصاب کم کاری را بعنوان شکلی از مبارزه علیه کارفرمایان استثمارگر برگزیده اند. در صورت تصویب این طرح، کارفرمایان خواهند توانست این دو ماده را چون شمشیر دامو کلس بالای سر کارگران نگاه دارند و کارگران اعتصابی و یا سرکردگان اعتصاب را از کار اخراج کنند، خواهند توانست هر کارگر حق طلبی را بعنوان مسبب نقصان تولید از کارخانه بیرون بیندازند. کارگران ایران ۲۱ سال پیش تحت رهبری حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی موفق شدند اولین قانون کار را بدولت بقبولانند و حق اعتصاب را برای خود قانونی سازند. در سالهای پس از کودتا این حربه قانونی غیر قانونی شناخته شد و اکنون بجز حبس و شکنجه، اخراج از کار هم به کارگران افزوده شده است. همین ماده در عین حال به کارفرما حق میدهد که بعنوان گوناگون دیگر و از جمله سه روز غیبت بدون عذر موجه، مختلف ساختن نظم و انضباط کارگاه، افساد اسرار مربوط به تولید، توهین به کارفرما و خانواده او، و غیره کارگر را اخراج کند. مشکل اینجااست که در اینگونه موارد حتی اگر کارفرما نتواند صحت دلایل خود را در مورد اخراج کارگر ثابت بپرساند، باز هم مجبور به پذیرش مجدد کارگر و رفع خسارت از او نیست، بلکه بموجب قانون فقط باید بازه هر یکسال کار ۱۵ روز حقوق با و بیروز و کارگر زحمتکش را که باب طبع برده پسند او نیست بیخیال بیندازد. بدینسان مشاهده میشود که طرح جدید قانون کار برخلاف خواست اولیه کارگران نه تنها به تأمین شغلی آنان کمک نکرده است، بلکه موارد تزلزل شغلی آنان را بدرجات افزایش داده است تا کارفرما باسانی بتواند خود را از شر کارگران ناراضح آسوده سازد.

در طرح جدید قانون کار آمده است که اگر کارفرما بدلیل اقتصادی مجبور به تعطیل تمام یا قسمتی از کارگاه شود و وزارت کار محل تأیید کند، میتواند قرارداد کار کارگران را با پرداخت مبلغی معادل ۱۵ روز مزد و حقوق برای یکسال سابقه کارگر، یعنی در واقع با پرداخت چند صد تا چند هزار تومان فسخ و کارگران را اخراج کند. هم اکنون به نوشته روزنامه ها، در اثر نبودن برق فقط در تهران ۱۸۰ کارخانه تعطیل شده و کارخانه های آرایشگاهها و برخی دیگر از صنوف بحال نیمه تعطیل در آمده است. وقتی کارفرما در مورد تعطیل کارخانه بعلل اقتصادی مربوط به خود، فقط موظف به پرداخت ۱۵ روز حقوق برای یکسال پیشینه کار باشد، روشن است که در مورد تعطیل تجمعی از جانب دولت (مثلا قطع برق کارخانه) کوچکترین مسئولیتی برای خود نمیشناسد و باسانی کارگران بیکار میشوند، بی آنکه هیچ مرجعی بفرادی آنان اندیشیده باشد. هم اکنون سزوشدها هزار کارگری که در اثر فقدان برق و تعطیل و یا نیمه تعطیل شدن کارخانه ها از کار بیکار شده اند، تا معلوم و خود و خانواده هایشان محکوم به گرسنگی اند.

در طرح جدید قانون کار بزرگترین تعدی بی حقوق زنان کارگر وارد آمده است. تحت عنوان دهان پر کن، برابری حقوق زنان کارگر با مردان، ماده مربوط به ممنوعیت کار شب برای زنان که حتی در قوانین کار ارتجاعی سال ۱۳۲۷ وجود داشت حذف شده و تصریح کرده اند که زنان باید شبها نیز در مشاغل مختلف کار کنند، بدون آنکه مقرراتی برای مراعات وضع زنانه که در شب کار میکنند تعیین و تصریح گردد. ارجاع کار های سخت و زیان آور مانند کار در معادن، گندابروها، بکشترگاه

ها، حفر قنوت و کارهایی که باعث مسمومیت و بیماری های زوی، پوستی و بوختی میگردد بزنان و کودکان، طبق قوانین پیشین کار ممنوع بود. اما طرح جدید با سبکوت خود در این مورد، ارجاع این نوع مشاغل را بزنان و کودکان مجاز دانسته است. چندی پیش روزنامه هتای دولتی با عنوان طعنه طراقی، رفع تبعیض از زنان، نوشتند که کار زنان در معادن از طرف وزارت کار مجاز شناخته شد. طرح جدید تصریح میکند که محدودیت ساعات کار کارگران زن بر طرف گردید، یعنی زنان بهسان مردان مجبور به فروش نیروی کار خود حد اقل بمدت هشت ساعت در روز هستند. تمام موارد بالا که قانون بعلت خاص شرایط جسمی و انجام وظایف مادری ملا حظاتی را در مورد زنان کارگر ملحوظ داشته بود اکنون زیر عنوان رفع تبعیض از زنان حذف شده و بی تبعیضی واقعی بر جای خود باقی مانده است. مثلا در مورد استخدام، باز نشتگی و غیره حل آزا به طرح جدیدی حواله نموده اند که مضمون آن هنوز انتشار نیافته و نامعلوم است. باید تأکید نمود در نظامی که پایه های آن بر بهره کشی انسان از انسان استوار است، حق، قانون و آئین نامه هم کاری از پیش نمیرند، چنانکه دستور برابر زن و مرد کارگر چندین دفعه است که در قوانین کار گنجانده شده و با این وجود زنان در برابر کار مساوی کمتر از نصف و یکسوم مردان مزد میگیرند.

مورد دیگر که در طرح جدید حق زنان کارگر پامال شده، مربوط به مرخصی دوران زایمان است. زنان کارگر حق دارند شش هفته قبل و شش هفته پس از زایمان مرخصی داشته باشند. در طرح جدید فقط تصریح شده کارفرما حق اخراج آنها را ندارد. اما تکلیف پرداخت حقوق این دوران را روشن نکرده است. باید یاد آور شد که قانون کار ناقص سال ۱۳۲۵ تکلیف این دوران را روشن کرده و ضمن تبصره ای تأکید میکرد که: نصف دستمزد این مدت از طرف کارفرما و نصف دیگر از طرف صندوق تعاون کارگاه باید پرداخت شود. اما اکنون پس از ۳۱ سال و رشد قابل توجه میزان اشتغال زنان، یعنی آنکه قانون بسود کارگران زن تکمیل شود، چند گامی هم به عقب بر داشته و کارفرما و وزارت کار را پرداخت دستمزد دوران زایمان معاف داشته است.

طرح جدید قانون کار که آشکارا چشم بر تشدید استثمار کارگران و حفظ منافع نامشروع کار فرما یال دارد، با مخالفت شدید کارگران روبرو شده و باید بزرگساله دان افناخته شود. قانون کار باید هم آهنگ با خواستهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر، شناخت حق اعتصاب، حقوق دائمی سندیکائی، برابری حقوق زنان و مردان کارگر تدوین شود. در شرایط کنونی ایران و جهان نمیتوان یک طبقه کارگر چند میلیونی را با شلاق و سرنیزه به بردگی و بهره دهی واداشت. در این زمینه تشکل و مبارزه متحد کارگران میتواند رژیم را بشناسالی، حقوق آنان ناگیرر سازد.

مینو

حکومت استبدادی باید

مملکت ناشی از ملت و شخص پادشاه از مسئولیت مبری، شناخته شده است. در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیائی حساس کشور ما اداره امور چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استعداد از همکاری صمیمانه تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسانها امکان پذیر میشود.

این مشروحه سرگشاده به مقامی تقدیم میگردد که چند سال پیش در دانشگاه ها رواردر فرموده اند: نتیجه تجاوزه از آزادیهای فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسانها ایجاد سرخوردگی است و اقرا سرخورده راه منفی پیش میگیرند تا ارتباط خود را با همه مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیله رفاه بر سرخوردگیها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان به این حقیقت است که انسانها برده دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزار افراد مملکت است. ولیز به تازگی در مشهد مقدس اعلام فرموده اند: رفع عیب به وسیله هفت تیر نمیشود و بلکه بوسیله جهاد اجتماعی میتوان علیه فساد مبارزه کرد. بنابراین تنها راه بازگشت و رشد ایمان و شخصیت فردی و همکاری ملی و خلاصی از تنگناها و

مبارزه در راه صلح

المللی را مسموم میسازند. فقط به برکت سیاست پر نرمش و میخانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و ابتکارات مکرر در مکرر آنهاست که امید میروند مذاکرات ژنو به برخی نتایج فرعی بینجامد. سیاست صلح و تشنج زدنای از جهت اقتصادی و از جهت اجتماعی با مزاج امپریالیسم سازگار نیست و بهمین جهت تلاش سرمایه داری آنست که گماناکان سیاست از موضع قدرت، را بسود خود نگاه دارد تا بتواند قدرت جهانی خویش را از سیزت زولی نجات دهد. اما این روش بزبان منافع اکثریت مطلق بشریت است که خواستار صلح و امنیت جمعی و برابری حقوق است و لادانی تواند آینده داشته باشد.

امپریالیسم از مسائلی تسلیحاتی حد اقل سه سود میبرد: اولاً بازار گرمی را برای سود اگران مرگ (کمپلکس نظامی - صنعتی و معنای ناتو) نگاه میدارد. کمپلکس نظامی صنعتی - از این بازار (که اکنون ۲۵۰ میلیارد دلار ظرفیت دارد) قصد ندارد صرف نظر کند؛ ثانیاً هدف آنست که کشورهای سوسیالیستی به منظور دفاع از خود مجبور شوند بخشی از وجوهی را که باید صرف تشان دادن مزایای زندگی اجتماعی و دمکراسی سوسیالیستی بکنند در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل دشمنان نیزومند و جانور صفت مصرف نمایند. کارتر بر آنست که درست تر این شرایط عوامفریبی او درباره حقوق بشر، بهتر میتواند باصطلاح آنها به، پوک سازی، جوامع سوسیالیستی منجر شود و هسته ضد انقلاب را در این جوامع تقویت نماید؛ ثالثاً امپریالیسم تصور میکند در جهان سرمایه و در جهان سوم، باتکاء قدرت نظامی بهتر میتواند وضع را بسود سیاست ضد بشری استثمار و استثمار حفظ کند و منابع و موقعیت جنبشهای رهایی بخش و انقلابی شود. این عوامل در دست کمپلکس نظامی - صنعتی و رفاهی برنده است که سیاست کشورهای سرمایه داری را تحت تأثیر قرار دهند.

پس این سوال پیش می آید: آیا میتوان علی رغم منافع که امپریالیسم در تسلیحات دارد او را به امضاء قراردادهائی که جلوی مسائله تسلیحات را کند وادار کرد؟ بنظر ما است کار در اثر تغییر فزاینده تناسب نیروهای اقتصادی - نظامی و اجتماعی بسود سوسیالیسم و علیه امپریالیسم امری شدنی است. تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی، اکنون پیروزیهای چشم گیر و درخشانی در اروپا، هند و چین، آفریقا و در عرصه های مختلف حیات دوران ما بلمست آورده است و این در حالتی بود که کشورهای سوسیالیستی دوران بسیار دشوار پس از جنگ را پشت سر داشتند. امروز پایه اقتصادی - اجتماعی این کشورها در مجموع بسی نیرومند تر است. لذا دلیل نیست که تعرض صلح در آینده نتواند به پیروزیهای مهم و تازه تری برسد. ما جنگ را قابل احتراز و نیل به خلع سلاح را ولو بشکل گام بگام قابل حصول میدانیم. البته راه استقرار صلح پایدار راه درازی است.

رفیق برزف گفت ما در قرن بیست و یکم وارد دوران یک صلح پایدار خواهیم شد زیرا برای یک صلح پایدار باید شرایط اجتماعی و سیاسی ضرور آن پدید آید. در این دوران شکیب و سر سختی در شتی درست و از جاده اصولیت انقلابی منحرف نشدن، خصلتی است که سیاست کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی و صلحد وست جهان باید بدان آراسته باشد. این امر بویژه در جهانی ضرور است که در آن مواد قابل انفجار باندازه ای متراکم شده که با آن میتوان چند بار همه موجودات زنده روی زمین را نابود کرد. در این شرایط نبرد در راه صلح جهانی به شاهراه عبده ترقی تاریخی انسانیت بدل میگردد یعنی انقلاب جهانی و صلح جهانی با هم تلازمی انکارنا پذیرد می یابند.

ا. س.

دشوارهایی که آینده ایران را تهدید میکند ترس حکومت استبدادی، تمکین مطلق به اصول مشروطیت، احیاء حقوق ملت، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد و آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند.

۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۶

سانسور سواوک

باید حقوق و شئون مردم را رعایت کرد - در ترجمه مقالات خارجی احتیاط بیشتر بشو - جنبه حمله به ایران و رژیم آن و سیاستش غیر مستقیم در آنها نباشد - از کشورهایی که با ایران رابطه دشمنانه تعریف نشود و اخباری که بسود آنهاست نشود. هنگامیکه خبری از خارج نقل میشود که نام شاه میاید و منظور نویسنده کشو حکومت ایران است، بجای شاه میتوان نام را گذاشت - هنگام بحث و نقل درباره مسائل خارجی حتی رعایت دوسنان بشود. بخصوص کشورها - حسیات دارند مانند افغانستان، حتی اگر مطبوعات خارجی هم نقل بشود این کشورها مورد حمله قرار گیرند - خوانندگان گرامی محتاطت صدق دارند - این به دشمنانه محرماته، که از قرار اجراء آزادی بیان وقلم، ادعائی آتای آموزگار لازم نیست تفسیر زبانی نوشته شود. فقط گفت که چنین بر خورده به مسئله و آزادی و قلم، یعنی یکی از مهمترین و مهم ترین خوا مردم ایران، یکی از اساسی ترین حقوق مندر قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نفرت است، فاجعه آمیز است و در جلی خود حتی مع است، آخر چگونه میتوان اعتقاد از شاه و سلطنتی و گمشدگان آنها و سیاست آنها و اثر حکومت آنها و اربابان خارجی آنها و در یک رژیم استبدادی شاه را که در زمینه اقتصادی مرد را به فقر و محرومیت، در زمینه سیاسی به خفا اسارت، در زمینه خارجی به وابستگی به امپریالیزم محکوم کرده است، ممنوع کرد و بعد از ا حرمت، به آزادی بیان وقلم و سخن گفت و داد که باید حقوق و شئون مردم رعایت شود، و اما در به دشمنانه محرماته، ضمت آ کوشش شده است سانسور مستقیم سواوک، در جدید، یعنی بصورت سانسور خود ناشران مطبوعه، و البته ضمانت اجرای آنها ذکر شده است. مراجع رسمی، یعنی سواوک تصمیم گیرنده و نهائی است، ترس و نگرانی رژیم هم از مردم منه شده است. و این البته ترس و نگرانی بجائی مردم ناراضی اند. مردم خشمگین اند. مردم ناراض و خشم خود را بصورت تظاهرات و اعتصابات و اعترا بروزید همد. مردم در کار آند که مبارزه هم برای تحقق خواستهای صنفی، اقتصادی و سیاسی، رژیم استبدادی شاه برای استقرار آزادیهای دمکرا تشدید کنند، گسترش دهند و متحد کنند و جنبش را حتی ترور و اختناق سواوکی نتوانسته اند نمیتواند متوقف سازد، چه رسد به عوامفریبی آموز گرها و تلاشهای گردانندگان رژیم برای رژیم سواوکی باشکال جدید.

در ارتش ایران

افرادا قلمد میکند و آنان را بصورت کارگران فکر هیئت حاکمه در میاورد. ولی این عوامل نمیتواند رسته های پیوند ارتش را با خلق پاره ک بویژه اینکه دو عامل بسیار مهم دیگر بطور دائر جهت نگهداری این پیوند اثر میگذارد. یکی بی بنفویار بستگاه حاکمه و بویژه خانواده شاه و دیگر حاکمیت نفرت انگیز اربابان امریکائی که بنام دست و کارشناس، در ارتش ایران فرمانروائی دارند. باکدامن و میهن پرست می بینند که عبده ترین، برای ارتقاء درجه و رسیدن به مقامات ارتشی سه است؛ اول اینکه برده وار فرمان بردار و هر د جنایت باری را کو کوروا اجرا کن، دوم اینکه از راست و زدی کن و سهم بالاخره را بدون ک بکست برسان و سوم اینکه بهر گروهان نالایق امریه کرتش کن و ملای بگو. ما اطمینان داریم که آتش میهن پرست خدمت به خلق که با دست کلیل مجد تقی خاا سیماکها، روزیه ها روشن شده هرگز خاموش نخوا شد. هر اندازه هم که رژیم سیاه استبداد محمد شاه بخواهد روی آزا با خاکستر و گل و لای بپوشا این آتش بالا خره همزه با، جبهه جنبش میهن پرر و آزادیخواهان مردم ایران شاه خواهد کشید و به بجای ارتش کنونی، پایهای ارتش ملی و دمکرا ایران گذاشته خواهد شد.

روش